

# درآمدی بر تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی و ارزیابی اساسنامه آن

دکتر سید نصرالله ابراهیمی<sup>۱</sup>

## ● مقدمه

پیوسته مسأله تدوین و اعمال حقوق کیفری بین‌المللی با طرح اصل استقلال و حاکمیت کشورها و عدم جواز مداخله در امور داخلی آنان، مورد شک و تردید بلکه انکار قرار می‌گرفت. در نتیجه هیچ‌گاه موضوع ضرورت همکاری میان کشورها و اقدام همه‌جانبه آنها در مبارزه با جرایم بین‌المللی به صورت جدی مطرح نمی‌شد. بدین جهت از یک طرف جوامع بشری پیوسته شاهد جنایاتی از قبیل نسل‌کشی، جنایت بر ضد بشریت، و جنایات جنگی بوده‌اند به طوری که مشاهده می‌شود از زمان جنگ دوم جهانی تاکنون بیش از ۲۵۰ مخاصمات مسلحانه خونین در جهان رخ داده است که قریب ۱۷۰ میلیون قربانی به خود گرفته است،<sup>۲</sup> و از طرف دیگر دادگاه‌های داخلی از تواناییهای لازم برخوردار نیستند

۱. نویسنده فارغ‌التحصیل دوره لیسانس از دانشگاه تهران، فوق لیسانس و دکتری از دانشگاه شفیلد انگلستان می‌باشد.

2. Dakar Declaration of 6 February 1998 for the Establishment of the International Criminal Court.

تا آن که مرتکبین چنین جرایمی را به پای میز محاکمه بکشانند و عدالت کیفری را در حق آنها اجرا نمایند.<sup>۲</sup>

اگرچه همکاری گسترده بین المللی کشورها با یکدیگر در بخشهای حقوقی و تجاری، از طریق انعقاد معاهدات دنیا چند جانبه، قابل مقایسه با چنین همکاری در زمینه های کیفری نمی باشد، به طوری که به جرأت می توان ادعا کرد که روند همکاری بین المللی کشورها در زمینه های کیفری حداقل ۵۰ سال از زمینه های حقوقی و تجاری عقب تر است،<sup>۳</sup> ولی باید اذعان کرد که همیشه آرزوی همکاری و مشارکت وسیع جهانی در زمینه های کیفری مخصوصاً از طریق تأسیس یک محکمه کیفری بین المللی اندیشه بشر را آزار می داد.

از آغاز تأسیس جامعه ملل، بحث همکاریهای بین المللی کشورها در امور کیفری، موضوع دستور کار کمیته کارشناسان جامعه ملل جهت تدوین پیشرفته حقوق بین الملل<sup>۴</sup> قرار گرفت. در سال ۱۹۲۸ میلادی، گزارشی از کمیته فرعی<sup>۵</sup> وابسته به آن توسط پرفسور شوکینگ<sup>۶</sup> تهیه شد، که در آن از همه کشورها خواسته شد تا از مجاری دیپلماسی پیشنهادات خود را در زمینه همکاریهای کیفری بین المللی و راهکردهای آن ارائه نمایند.<sup>۷</sup>

موضوعاتی از قبیل تجارت جنگ افزارهای کشتار جمعی، مواد مخدر، و تروریسم بین المللی و حتی جرایم تجاری،<sup>۸</sup> جامعه بین المللی را به فکر تأسیس دادگاههای ویژه<sup>۹</sup>

3. Ibid.

4. D.J. McClean, International Judicial Assistance, Clarendon Press, 1992, p.124.

5. League of Nations Committee of Experts for the Progressive Codification of International Law.

6. Sub- Committee.

7. Schücking.

8. League of Nations Doc. A. 15. 1928 V, reproduced in the Harvard Research, (1939) 33 Am. Jo. I. L (Supp). p. 143 in McClean, op cit., pp. 124 - 125.

9. Commercial crimes.

10. ad hoc.

انداخت. تأسیس دادگاههای ویژه نظامی بین المللی نورنبرگ و توکیو<sup>۱۴</sup> بعد از جنگ دوم جهانی به منظور محاکمه مجرمان جنگی آلمان و ژاپن، سپس تأسیس دادگاه ویژه دیگری به نام محکمه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق<sup>۱۵</sup> جهت محاکمه مجرمان جنگی در کشتار مردم مسلمان و بی دفاع بوسنی - هرزگوین، اولین گام عمده در طرح یک محکمه بین المللی مدرن و پایدار به شمار می آید، همچنان که محکمه اخیر اعلام نمود:

«این موضوع که حقوق بین الملل وظایف و مسؤولیتهایی را هم بر اشخاص حقیقی و هم بر کشورها تحمیل می کند، از مدت مدیدی پیش مورد شناسایی قرار گرفته است... اشخاص حقیقی ممکن است به دلیل تخلفات از حقوق بین الملل مورد مجازات قرار گیرند. جرایم بر ضد حقوق بین الملل جرایمی هستند که به وسیله اشخاص حقیقی، و نه شخصیت‌های حقوقی، به وقوع می پیوندند، و تنها از طریق مجازات اشخاص حقیقی که این گونه جرایم را مرتکب شده اند می توان مقررات حقوق بین الملل را اجرا کرد».

در سالهای اخیر عزم راسخ بسیاری از کشورها و سازمانهای بین المللی که اساساً دارای ماهیت سیاسی می باشد، بر این تعلق گرفت تا یک مرکز مستقل کیفری بین المللی در سطح جهان در مبارزه با جرایم بین المللی شکل گیرد.

در حال حاضر با تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در ماه جولای ۱۹۹۸ میلادی، بعد از سالها برنامه ریزی و انتظار و ارائه طرح ها و پیش نویس های متعدد، و قبولی آن توسط اکثر کشورهای شرکت کننده در اجلاس، این گام مهم برداشته شده است.<sup>۱۶</sup>

11. International Military Tribunals.

12. The International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, 1993.

13. Steiner & Alston, International Human Rights in Context: Law, Politics, Morals, Clarendon Press, 1996, p. 1034.

۱۴. پیشینه تاریخی تأسیس دیوان بین المللی کیفری اختصاراً به قرار زیر است:

- در سال ۱۹۴۸ میلادی، کنوانسیون نسل کشی (Genocide Convention) توسط سازمان ملل پذیرفته شد.

- در دهه ۱۹۵۰ میلادی، کمیسیون حقوق بین الملل (The International Law Commission) مأمور تدوین اصول محاکمات دادگاه نورنبرگ شد.

کشورهای عضو جامعه بین‌المللی پذیرفته‌اند که برای حفظ امنیت ملی<sup>۱۵</sup> و اجرای موفق قوانین کیفری خود ضروری است از طریق همکاری و تشریک مساعی بین‌المللی کشورها با همدیگر به جنگ با مجرمان بین‌المللی بروند.

در این مقاله کوشش شده است تا به اختصار ضمن طرح موضوع صلاحیت کیفری دادگاه‌های داخلی و بین‌المللی، دلایل مخالفین و موافقین با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته، و در خاتمه ارزیابی کلی از محاسن و معایب دیوان و اساسنامه آن به همراه برخی از پیشنهاد‌های عملی ارائه گردد.



- در سال ۱۹۸۹ میلادی، کشور کوچک Trinidad & Tobago پیشنهاد تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مجدداً طرح کرد. آن‌گاه مجمع عمومی از کمیسیون حقوق بین‌الملل درخواست تدوین طرح پیشنهادی در این خصوص را نمود.  
- در سال ۱۹۹۳ میلادی، شورای امنیت سازمان ملل متحد دادگاه نظامی ویژه یوگسلاوی سابق را تأسیس کرد.

- در سال ۱۹۹۴ میلادی، کمیسیون حقوق بین‌الملل طرح نهایی پیشنهادی خود را به کمیته ششم از چهل و نهمین جلسه مجمع عمومی تقدیم نمود. در این سال دادگاه ویژه رواندا توسط شورای امنیت تأسیس شد.  
- در سال ۱۹۹۵ میلادی، کمیته‌های موقت بررسی طرح پیشنهادی کمیسیون حقوق بین‌الملل در طی دو مرحله جلسات دو هفته‌ای خود را تشکیل دادند.

- در ماه دسامبر سال ۱۹۹۵ میلادی، مجمع عمومی تصمیم بر تشکیل کمیته مقدماتی برای تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی گرفت، که دوبار در سال ۱۹۹۶ میلادی در نیویورک (۲۵ مارس تا ۱۲ آوریل و دیگری از ۱۲ تا ۳۰ اوت) جهت تدوین اساسنامه موقتی تشکیل جلسه دادند. کمیته مقدماتی جلسات دیگری را نیز ترتیب داد.

- در ماه جولای ۱۹۹۸ میلادی، نمایندگان تام‌الاختیار کشورها در رم ایتالیا جهت تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی حضور به هم رسانیدند.

## 15. National security.

## مبحث ۱

### صلاحیت کیفری دادگاهها

#### موضوع مسؤلیتهای کیفری: کشورها یا اشخاص؟

یکی از سؤالات اساسی این است که آیا جدای از وظایفی که بر عهده کشورها نهاده شده است، تعهدات و تکالیف بین المللی مستقیماً متوجه افراد و اشخاص حقیقی خواهد شد؟

برخی از حقوقدانان معتقدند شکی نیست که افراد نیز می توانند موضوع هر نوع سیستم حقوقی موجود در این جهان حتی حقوق بین الملل قرار گیرند. در خصوص حقوق بین الملل می توان ادعا کرد که اگرچه موضوع و هدف اصلی این رشته از حقوق کشورها هستند، ولی هرگاه نقاب از چهره کشورها کنار زده شود، آدمی در می یابد که در ورای شخصیت حقوقی کشورها و یا سازمانهای بین المللی، اشخاص و افراد حقیقی، یعنی انسانهایی با گوشت و خون و استخوان وجود دارند که به صورت غیرمستقیم و گاهی مستقیم موضوع حقوق و تعهدات حقوق بین الملل قرار می گیرند.

به عنوان مثال گاهی اشخاص به طور مستقیم و بدون مداخله شخصیتهای حقوقی کشورها و یا سازمانهای بین المللی موضوع حقوق بشر بین المللی قرار می گیرند. البته این امر بدان معنا نیست که آنها هیچ گاه موضوع تکالیف و تعهدات حقوق بین الملل قرار نمی گیرند، همچنان که گفته شده است:

«آنهايي که به حقوق بشر بين المللي دل بسته اند، بايستي به طرف ديگر سکه يعني وظايف و تکالیف بين المللي بشر نیز نظر اندوزند».<sup>۱۶</sup>

16. Steiner & Alston, op cit., p.1023.

معمولاً هر جا سخن از وظایف و تعهدات باشد سخن از تخلف خواهد بود، و هر جا سخن از تخلف باشد سخن از مجازات و کیفر خواهد بود. بنابراین هرگاه فردی از وظایف و تعهدات بین‌المللی که برعهده او گذاشته شده است تخلف کند، مرتکب جرم بین‌المللی شده است، که متعاقب آن گاهی مال، مقام، آزادی و حتی حیات خویش را به مخاطره می‌اندازد.

در مقابل دسته‌ای دیگر از حقوقدانان بر این باور هستند که هیچ‌گاه اشخاص حقیقی موضوع تکالیف حقوق بین‌الملل نبوده، و در نتیجه موضوع محاکمه و مجازات بین‌المللی ناشی از نقض یکی از تکالیف بین‌المللی خود قرار نخواهد گرفت، بلکه این کشورها هستند که ممکن است موضوع تکالیف بین‌المللی قرار گرفته، و نسبت به تخلف از وظایف خود مسؤولیت بین‌المللی داشته باشند.

از طرفی دیگر این عده اظهار می‌دارند که در حقیقت جرم بین‌المللی وجود ندارد، زیرا جرمی که در یک معاهده بین‌المللی تعریف می‌شود جرمی تحت حقوق بین‌الملل<sup>۱۷</sup> است، نه آن که جرمی بر علیه حقوق بین‌الملل<sup>۱۸</sup> باشد. معنای این گفتار آن است که هرگاه کشوری معاهده بین‌المللی را بر اساس موازین و تشریفات حقوقی خاص خود جزئی از قانون داخلی قرار دهد، همان جرم با ماهیت بین‌المللی تبدیل به یک جرم با ماهیت داخلی خواهد شد. بنابراین معنای پذیرش احتمالی صلاحیت کیفری جهانی نسبت به تعقیب کیفری چنین جرمی، این خواهد بود که قلمرو صلاحیت کیفری عادی یک کشور به صورت شگفت‌آوری توسعه پیدا کرده است،<sup>۱۹</sup> نه آن که وظایف و تعهداتی به صورت مستقیم بر اشخاص حقیقی تحمیل شده است.

در نتیجه گرچه توسعه و بسط چنین صلاحیتی از حوزه صلاحیت کیفری داخلی به حوزه صلاحیت جهانی ضربه آشکار و محسوسی را بر اشخاص حقیقی که در دام آن اسیر شده‌اند وارد می‌کند، اما هیچ‌گاه آنان را از این که موضوع قوانین و مقررات کشورها

17. A crime under international law.

18. A crime against international law.

19. Steiner & Alston, op cit., p.1033.

باشند، موضوع حقوق بین الملل قرار نمی‌هد.

شاید بر اساس چنین برداشتی بود که وقتی رژیم نامشروع و اشغالگر اسرائیل آیشمن،<sup>۲۰</sup> نازی متهم به ارتکاب جنایات جنگی بین المللی در جنگ دوم جهانی را دستگیر کرد، او را جهت محاکمه به دادگاه بین المللی نورنبرگ تحویل نداد، زیرا به وجود یک دادگاه بین المللی که قادر باشد وی را محاکمه و مجازات نماید، معتقد نبود.<sup>۲۱</sup>

به هر حال، اگر چه رد ادعای این دسته از حقوقدانان تا قبل از تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نیاز به تأملات و مناقشات زیادی داشت، و در واقع اعتقاد به وجود جرایم و جنایات بین المللی و دادگاه بین المللی به معنای واقعی کلمه برای رسیدگی کیفری و مجازات آنها کار آسانی نبود، ولی نباید فراموش کرد که انسان قرن بیستم با چشمان شگفت زده خویش شاهد مجازات اشخاص حقیقی شد که به اتهام ارتکاب جرایم بین المللی در دادگاههای ویژه نورنبرگ، توکیو و لاهه (در خصوص مجازات مجرمین جنگی در یوگسلاوی و رواندا) محاکمه شدند، که به نوبه خود اعتقاد انسان قرن بیستم را به مسأله جرایم بین المللی و محاکم بین المللی راسخ تر نمود.

### صلاحیت جهانی یا صلاحیت کیفری بین المللی

همچنان که پرفسور سینکلیر<sup>۲۲</sup> در بحث صلاحیت کیفری دادگاهها<sup>۲۳</sup> از دو

20. Eichmann.

21. District Court of Jerusalem, Judgment of December 11, 1961. See for details Steiner & Alston, op cit., p. 1035; and also 56, Am. J. Intl. L., 805, (1962).

22. Sinclair.

۲۳. اهم اصول حاکم بر صلاحیت کیفری دادگاهها در تعقیب و محاکمه مجرمان به قرار زیر است:

(۱) اصل سرزمینی (Territorial Principle): یعنی یک کشور ممکن است صلاحیت خود را بر اساس

رفتارهای مجرمانه ای تعیین کند که تماماً یا قسمت مهم آن در داخل سرزمینش اتفاق افتاده است:

(۲) اصل آثار و توابع (Effects Principle): یعنی یک کشور ممکن است صلاحیت خود را بر اساس

رفتارهای مجرمانه ای تعیین کند که در خارج از سرزمینش اتفاق افتاده است، ولی تأثیر اساسی و مهمی

(Substantial effect) در داخل سرزمین آن ایجاد نماید؛

صلاحیت جهانی، و صلاحیت کیفری بین‌المللی سخن به میان آورد،<sup>۲۲</sup> کشورها قبل از تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی دوراه حل را در برابر خود داشتند،<sup>۲۳</sup> که یکی از آن دو پذیرش صلاحیت کیفری یک دادگاه کیفری بین‌المللی،<sup>۲۴</sup> و دیگری پذیرش صلاحیت کیفری جهانی دادگاههای ملی بر اساس اصل جهانی بود.<sup>۲۵</sup> در نتیجه هر کشوری صلاحیت

(۳) اصل تابعیت (Nationality Principle): یعنی یک کشور ممکن است صلاحیت خود را بر اساس رفتارها، منافع، وضعیت یا روابط مجرمانه اتباع خودش در خارج و داخل سرزمین خود تعیین کند؛

(۴) اصل حمایتی (Protective Principle): یعنی یک کشور ممکن است صلاحیت خود را بر اساس رفتارهای مجرمانه‌ای تعیین کند که در خارج از سرزمین خود توسط بیگانگان (غیر از اتباع خود او) ارتکاب یافته است، ولی آن اعمال بر علیه امنیت ملی آن کشور و یا، در برخی موارد محدود، بر علیه منافع ملی دیگر کشورها صورت پذیرفته است. آن موارد محدود عمدتاً شامل جرایمی هستند از قبیل جاسوسی، قاچاق مواد مخدر و سلاحهای ممنوعه و کشتار دسته جمعی که تمامیت ارکان و نهادهای یک کشور را تهدید می‌کنند؛

(۵) اصل تبعی بودن شخصیت فردی (Passive Personality Principle): یعنی یک کشور ممکن است صلاحیت خود را بر اساس رفتارهای مجرمانه‌ای تعیین کند که در خارج از سرزمینش توسط اشخاص بیگانه (غیر اتباع) اتفاق افتاده است، ولی قربانیان ناشی از چنین اعمال مجرمانه‌ای اتباع او هستند. به طور کلی این اصل در تخلفات و جرائم عادی جاری نمی‌شود، اما به طور روزافزونی شامل جرایمی از قبیل حملات تروریستی، و دیگر حملات سازمان داده شده بر علیه اتباع یک کشور به صرف این که اتباع آن کشور هستند می‌شود.

برای بحث مفصل در این خصوص رجوع شود به: قانون روابط خارجی ایالات متحد آمریکا، سال ۱۹۸۷ Restatement (Third) of The Foreign Relations Law of the United States, 1987

همچنین رجوع کنید به:

Steiner & Alston, op cit., p. 1023; M.N. Shaw, International Law, 3rd Edn., Cambridge University Press, 1994, pp. 413 infra.

24. Steiner & Alston, op cit., p. 1080.

۲۵. در گزارشی نسبت به ماده ۴ طرح پیشنهادی کمیسیون حقوق بین‌الملل آمده بود که:

«مشکل تعیین صلاحیت قابل قبول دادگاه از جدی ترین موضوعات بود، زیرا چنین امری یا به انتخاب یک صلاحیت دادگاه بین‌المللی، و یا توسعه صلاحیت دادگاههای داخلی جهت رسیدگی به جرائم بین‌المللی می‌شد».

Steiner & Alston, op cit., p. 1080.

رجوع شود به:

26. Criminal jurisdiction of an International Criminal Court.

27. Universal Criminal Jurisdiction of National Courts based on the Universality Principle.



خواهد داشت تا جرایم بین‌المللی از قبیل دزدی دریایی، آپارتاید، جرایم جنگی، کشتار دسته‌جمعی، و جرایم بر علیه صلح و امنیت، و غیره را که در همه کشورهای جرم محسوب می‌شود، مورد رسیدگی و تعقیب کیفری و مجازات قرار دهد.

در خصوص جرایم بین‌المللی باید افزود که برخی از جرایم دارای خصوصیتی هستند که موضوع صلاحیت کیفری جهانی و یا دادگاه کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۸ میلادی کنوانسیون راجع به «غیرقابل اعمال بودن محدودیتهای قانونی برای [مجازات] جرایم جنگی و جرایم بر ضد بشریت»<sup>۲۸</sup> تدوین نمود. بر اساس چنین کنوانسیون جرایم جنگی و جرایم بر ضد بشریت، از دسته‌های معین و مشخص جرایم بین‌المللی به حساب آمدند که استعداد پذیرش صلاحیت کیفری جهانی را دارا می‌باشند.<sup>۲۹</sup> همچنین چنین صلاحیتی در ارتباط با متخلفان و مجرمان بین‌المللی در چهار کنوانسیون صلیب سرخ ژنو<sup>۳۰</sup> مصوب سال ۱۹۴۹ میلادی مورد شناسایی قرار گرفت.<sup>۳۱</sup>

البته باید توجه داشت که سیستم صلاحیت کیفری جهانی قابل جمع با صلاحیت کیفری یک دادگاه بین‌المللی می‌باشد، همچنان که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مصوب جولای ۱۹۹۸ میلادی،<sup>۳۲</sup> با پیش‌بینی صلاحیت کیفری تکمیلی، هیچ‌گاه صلاحیت کیفری انحصاری جهت رسیدگی و تعقیب کیفری جرایم بین‌المللی را برای خود قائل نیست. علت این امر آن است که کشورها در صورتی حاکمیت خود بر جرایمی که در سرزمین‌شان اتفاق می‌افتد و منافع ملی آنها و یا اتباع آنها را به مخاطره می‌اندازد، به

**28.** Non-Applicability of Statutory Limitations to War Crimes and Crimes Against Humanity, 1968.

**29.** Weiss, "Times Limits for the Prosecution of Crimes against International Law", 53, B.Y.I.L., 1982, pp. 163, 188.

**30.** The Four Geneva Red Cross Conventions of 1949.

**31.** See e.g. Draper, The Red Cross Conventions, 1958, p. 105; M.N. Shaw, International Law, 3rd Edn., Cambridge University Press, 1994, p. 413.

**۳۲.** در خصوص صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی به مبحث سوم «ارزیابی دیوان کیفری بین‌المللی و اساسنامه آن» مراجعه نمایید.

یک دادگاه کیفری بین‌المللی واگذار می‌کنند، و در نتیجه صلاحیت خودشان را در رسیدگی کیفری محدود می‌سازند، که از این راستا به منافع اساسی و حیاتی آنان خسارات عمده‌ای وارد نشود.

## ۲ مبحث

### تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی

#### دلایل مخالفت با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی

قبل از نشست اخیر کشورها در رم ایتالیا، کشورهای سوسیالیستی مخصوصاً شوروی سابق به دفعات مکرر از پذیرش تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان یک نهاد فراملی<sup>۳۳</sup> اجتناب می‌کردند. آنها پیوسته از تأسیس دادگاههای ویژه، شبیه آنچه که در دادگاه نورنبرگ تجربه شده بود، دفاع می‌کردند، و معتقد بودند که صلاحیت چنین دادگاههایی تنها می‌تواند بر اساس صلاحیت کیفری ملی مشترک<sup>۳۴</sup> تعیین گردد.

این کشورها مخالف هرگونه تلاش و اقدامی جهت تأسیس یک دیوان کیفری بین‌المللی بودند که صلاحیت کیفری آن موازی<sup>۳۵</sup> و یا جانشین صلاحیت کیفری ملی باشد.<sup>۳۶</sup>

البته این تنها کشورهای سوسیالیست نبودند که نسبت به تشکیل یک دیوان کیفری بین‌المللی بدبین و یا مخالف بودند، بلکه برخی دیگر از کشورها نظیر آمریکا و بریتانیا نیز

33. Supra- national.

34. Joint National Criminal Jurisdiction. See Steiner & Alston, op cit., p. 1080.

35. Side by side jurisdiction.

36. See Steiner & Alston, op cit., p. 1080.

چنین دیدگاهی را داشتند.<sup>37</sup> مناقشات و مباحثات شدید اللحن بین کشورها در این خصوص در زمان انعقاد «کنوانسیون راجع به منع و مجازات جرم کشتار دسته جمعی [نسل کشی] مصوب دسامبر سال ۱۹۴۸ میلادی»<sup>38</sup> حکایت از آن می کرد که اغلب کشورها مایل به تأسیس یک دیوان کیفری بین المللی نبودند.<sup>39</sup> شاید به همین دلیل بود که فیتز موریس<sup>40</sup> در خصوص مخالفت کشورها با طرح پیشنهادی کمیسیون حقوق بین الملل، اعلام داشت که آن کمیسیون موفق نشد تا علاقه و تمایل کشورها را نسبت به تأسیس دیوان کیفری بین المللی جلب کند.<sup>41</sup>

مخالفت های فوق حتی در زمان تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در جولای ۱۹۹۸ میلادی به وضوح محسوس بود، به طوری که برخی کشورها از قبیل قطر، امریکا، چین، ترکیه آن را امضا نکرده اند، و برخی دیگر به آن رأی ممتنع داده اند.

از عمده ترین دلایل مخالفت برخی کشورها با تأسیس دیوان کیفری بین المللی و در نتیجه انکار صلاحیت کیفری جهانی آن به اختصار به قرار ذیل می باشد:

اول آن که اصل حاکمیت مستقل کشورها در امور داخلی خود، و عدم جواز مداخله در سیستم حقوقی آنها مانع آن خواهد شد که محکمه یک کشور خارجی یا یک محکمه بین المللی بتواند صلاحیت کیفری خود را بر کشور دیگر اعمال نماید.

دوم آن که اصل حق تعیین سرنوشت مردم نسبت به امور خود<sup>42</sup> مانع از آن خواهد شد که برخی از کشورها یا سازمانهای بین المللی به منظور مداخله در سرنوشت مردم کشور

37. Ibid.

38. The Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide of 9 December 1948.

39. Steiner & Alston, op cit., p. 1080.

40. Fitzmaurice.

41. Ibid.

42. People's right to self- determination.

دیگر به طرح منافع آرمانی جامعه بین المللی بپردازند، تا از این رهگذر منافع خاص خود را تأمین نمایند.

سوم آن که بر اساس اصلی که «دادگاههای هیچ کشوری قوانین جزایی کشور دیگر را اعمال نخواهد کرد»،<sup>43</sup> و همچنین اصلی که «هیچ جامعه ای به جرمی اهمیت نمی دهد، مگر آنچه که برای خودش مضر باشد»،<sup>44</sup> قوانین کیفری اساساً داخلی و ملی هستند. در نتیجه صلاحیت دادگاهها در حد سرزمین خود و منحصر به اتباع او خواهد بود. به عنوان مثال جرایمی که موجب نقض احکام و مقررات عمومی یک کشور می باشند جرایم داخلی محسوب می شوند، و تنها توسط مقامات دولتی آن کشور قابل رسیدگی و تعقیب کیفری هستند.

چهارم آن که برخلاف دادرسی های حقوقی، که یک دادگاه ممکن است به اصولی از قبیل انتخاب قانون حاکم<sup>45</sup> یا قانون مناسب<sup>46</sup> تمسک کند، و در نتیجه قانون یک کشور خارجی را (به عنوان مثال قانون مسؤولیت مدنی آن کشور را در صورتی که حادثه ناگوار در آن سرزمین اتفاق افتاده باشد) در جنبه های معینی از دادرسی خود اعمال نماید، در دادرسی های کیفری هرگز مسأله انتخاب قانون حاکم یا قانون مناسب خارجی مطرح نمی شود. توضیح آن که در قضایای کیفری دادگاهها معمولاً تنها قانون کشور محل وقوع دادگاهی را اعمال می کنند که حاکمیت و اعتبار قضایی را از آنجا گرفته باشد، حتی اگر تعقیب کیفری در ارتباط با عمل مجرمانه ای صورت پذیرد که جرم آن در کشورهای دیگر اتفاق افتاده باشد. در نتیجه برای اعمال صلاحیت کیفری دادگاه خارجی در این نوع از قضایا هیچ وجهی وجود ندارد، چه آن دادگاه یک دادگاه ملی و یا یک دادگاه بین المللی

43. "The Courts of no Country Execute the Penal Laws of Another", Lord Kames, Equity, Books 3, Chap. 8, s. 1.

44. "No Society Takes Concern In Any Crime But What Is Hurtful to Itself", The Antelope (1825), 10 Wheat 123 (US Sup. Ct.), Per Marshall CJ.

45. Governing law / Applicable law.

46. Proper law.

باشد.

افزون بر دلایل قبل آن است که در جهانی بودن قوانین کیفری و صلاحیت محاکم بین‌المللی نباید اغراق و مبالغه کرد، زیرا آنچه که به جامعه بین‌المللی<sup>۴۷</sup> شخصیت اعتباری می‌دهد کشورها هستند، و آنها نیز در حقیقت شکل سازمان یافته سیاسی مردمی هستند که می‌خواهند از آیین و مقررات حقوقی خودشان دفاع کنند.

به علاوه آن که عملکرد سازمانها و مجامع بین‌المللی از قبیل سازمان ملل متحد و ارکان وابسته به آن و حتی دیوان بین‌المللی دادگستری، گویای این تجربه تلخ است که این گونه سازمانهای بین‌المللی هرگز نتوانستند به درستی وظایف خود را در تحقق عدالت، و جلوگیری از ظلم و بی‌عدالتی به صورت کامل جامه عمل بپوشانند. در نتیجه پیوسته هاله‌ای از شک و بدبینی عمومی نسبت به کفایت و شایستگی آنان در رسیدن به آرمانهای والای انسانی وجود داشته و دارد.

همچنین باید اضافه کرد که نگرانی یک کشور در پذیرش دیوان کیفری بین‌المللی ممکن است از این جهت باشد که در جایی که می‌بایست صلاحیت کیفری خود را نسبت به جرایمی اعمال کند که در کشورش ارتکاب یافته، و متعاقب آن حقی از حقوق شهروندان ضایع شده، و یا منفعتی از منافع ملی آن کشور به مخاطره افتاده است، مرتکب آن جرم مورد بخشش و یا در امان عدالت کیفری<sup>۴۸</sup> آن دیوان بین‌المللی قرار بگیرد.

نکته قابل توجه دیگر آن است که عادتاً محال است کشوری از تعقیب کیفری جرایمی که در سرزمین آن ارتکاب یافته است به لحاظ رعایت منافع و مصالح ادعایی جامعه بین‌المللی و یا دیوان کیفری بین‌المللی خودداری کند.<sup>۴۹</sup> همچنان که ممکن نیست کشوری

47. International community.

48. Criminal Justice.

49. Steiner & Alston, op cit., p. 1080.

تبعه خود را در اختیار دیوان کیفری بین المللی بگذارد تا مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد.<sup>50</sup>

بالاخره آن که برخلاف حقوق داخلی که صلاحیت دادگاهها در آن به صورت دو نوع صلاحیت موازی یا عرضی (نسبت به دادگاههای هم عرض و در یک درجه) و صلاحیت طولی (نسبت به دادگاههای عالی و دانی و در درجات مختلف) وجود دارد، صلاحیت بین المللی دادگاهها به دلیل وجود حاکمیت‌های مستقل در روابط کشورها فقط به صورت صلاحیت موازی وجود دارد. بنابراین طرح این سؤال که آیا مثلاً دادگاه کشور الف نسبت به دادگاه کشور ب صلاحیت ذاتی یا نسبی دارد، صحیح به نظر نمی‌رسد. این سخن در مورد دیوان کیفری بین المللی نیز درست است، زیرا چنین دیوانی نمی‌تواند بر دادگاه داخلی اعمال صلاحیتی نماید.

### دلایل موافقت با تأسیس دیوان کیفری بین المللی

به هنگام تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین المللی کشورهای زیادی از آن استقبال کردند. از عمده ترین دلایل استقبال از تأسیس دیوان کیفری بین المللی و در نتیجه قبول صلاحیت کیفری جهانی آن به اختصار به قرار ذیل می‌باشد:

اول آن که در حال حاضر یک مکانیزم دائمی برای مجازات اشخاصی که مقررات و قوانین بین المللی را نقض می‌کنند وجود ندارد. در چنین وضعیتی تنها مکانیزم مبارزه با جرایم بین المللی، اعمال مجازاتهای اقتصادی، تحریم و یا مصادره کالاها، و نهایتاً در موارد نادری استفاده از زور و قوه قهریه می‌باشد. اگرچه اعمال چنین مجازاتی تا حدی مطلوب به نظر می‌رسد، ولیکن عواقب آن دامنگیر انسانهای بی‌گناه و مظلوم نیز خواهد شد. این امر برخی از صاحب‌نظران حقوقی را بر آن واداشته است تا به طور جدی اندیشه مسؤلیت کیفری بین المللی دولت‌ها را طرح نمایند. این عده بر این باور هستند که منطقی که تنها راه اعمال مجازات بر علیه کشورها را در صورت نقض مقررات حقوق بین الملل، الزام آنان به

50. Ibid.

جبران خسارات وارده می‌داند، منطقی است که با نیازهای جدید حقوق بین‌الملل انطباق و انسجام ندارد.<sup>۵۱</sup> بلکه در مقابل باید محکمه‌ای بین‌المللی وجود داشته باشد تا مجرم را به سزای اعمال خویش برساند، بدون آن که متعاقب آن انسانهای بی‌گناه دیگر متضرر شوند.

دوم آن که تجربه تلخ جنگهای داخلی در کشورهایی از قبیل سومالی، بوسنی، رواندا، هائیتی، و افغانستان و سرزمینهای دیگر نشانگر آن است که درگیریها و مخاصمات مسلحانه، حتی با حضور سربازان حافظ صلح سازمان ملل متحد ادامه داشته است، مگر آن که طرفین درگیریها احساس کنند که عدالت کیفری در حق آنان توسط یک محکمه عدل بین‌المللی رعایت خواهد شد.

سوم آن که تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی در راستای همکاری مشترک و تعاون بین‌المللی کشورها بوده، و برای حفظ صلح و امنیت بشری ضروری و حیاتی می‌باشد.<sup>۵۲</sup> قاضی انگلیسی، گریفیتس،<sup>۵۳</sup> در خصوص پرونده *Liangsiriprasert v. United States Government*،<sup>۵۴</sup> اعلام داشت که: «باید از طریق مشارکت و همکاری بین‌المللی فیما بین مجریان قانون به نبرد با جرم بین‌المللی پرداخت».<sup>۵۵</sup>

51. Christine Gary, *Judicial Remedies in International Law*, Clarendon Press, Oxford, 1990, p. 215. See Specially the Work of the International Law Commission: R. Ago (1976), I. L. C. Yearbook, Vol II Part I, 24; F.V. Garica - Amador (1954) I. L. C. Yearbook, II, 24.

52. See the Draft Code of Crimes against the Peace and Security of Mankind. See also Steiner & Alston, op cit., p.1080.

53. Griffiths.

54. [1990] 2 All E. R. 866, 871 - 2.

55. "International Crime has to be Fought by International Co-operation Between Law Enforcement Agencies".

اما در خصوص موضوع اصل حاکمیت مستقل کشورها بر امور داخلی خود که یکی از عمده ترین دلایل مخالفین تأسیس دیوان بین المللی است، باید اذعان کرد که دیگر آن مفهوم حاکمیت که در قرن ۱۹ مطمح نظر حقوقدانان بود پذیرفتنی نیست. توضیح آن که اگرچه هنوز هم کماکان حاکمیت از موضوعات اساسی حقوق بین الملل است، ولی مفهوم آن تغییر کرده است. یعنی آن که اگرچه زمانی اراده آزاد دولتها از اصالت خاصی برخوردار بود، اما رفته رفته آن امر به دلیل تغییر در مبانی حقوق بین الملل دگرگون شده است. بنابراین می توان ادعا کرد که امروزه مفهوم حاکمیت برای حفظ و حراست از موقعیت دولتمردان یک کشور نیست، بلکه برای حفظ منافع آن کشور و برای حمایت از مردم آن سرزمین در مرحله نخست، و آن گاه در جهت استحکام ارتباطات بین المللی و همبستگی ملل دنیا با هم، و حفظ و حراست از صلح و امنیت بین المللی می باشد.

چهارم آن که تأسیس یک دیوان کیفری بین المللی تنها راه برای تضمین اعمال یک صلاحیت کیفری بین المللی هدفدار، عینی و بی طرفانه، و در نتیجه تحقق عدالت کیفری می باشد، اگرچه دستیابی به این اهداف آرمانی برای بشر کاری بس دشوار خواهد بود.<sup>۵۶</sup>

به علاوه آن که تأسیس یک دیوان کیفری بین المللی تنها راه برای جلوگیری از اعمال مجازات گوناگون، متشتت و تبعیض گونه توسط کشورها، و مکانیزمی هدفدار و همه جانبه جهت رسیدگی و تعقیب کیفری مجرمان بین المللی می باشد.<sup>۵۷</sup> البته این بدان معنا نیست که رویه سنتی موافقتنامه های دوجانبه یا چندجانبه موضوعی<sup>۵۸</sup> در حقوق بین الملل در خصوص پیشگیری از جرایم و یا مجازات مجرمین بین المللی مکانیزمی موفق و کافی برای مبارزه با مجرمان بین المللی و حمایت از منافع جامعه بین المللی نبوده و نخواهد بود، بلکه باید به فکر تأسیس نهادی بین المللی بود که به نحوی مؤثرتر و قانونمندتر اهداف پیشگفته را به منصفه ظهور برساند. از طرف دیگر در اوضاع و احوال

56. Steiner & Alston, op cit., p. 1080.

57. Ibid.

58. Subjective Multilateral or Bilateral Agreements.



جدید جهانی، این تفکر که یک کشور نباید به حقوق کیفری دیگر کشورها جز در موارد استرداد مجرمین (که پیوسته مورد استثنای عملی در روابط کشورها قرار گرفته است) طرفی ببندد، دور از واقع بوده و با ژرف اندیشی فاصله ای طولانی دارد.

مضافاً آن که باید از دیدگاه حقوقی بین آن جرمی که منافع کشور خاصی را تهدید می کند، و آن جرمی که مصالح و منافع جامعه بین المللی را نشانه گرفته و به مخاطره می اندازد تفاوت قائل شد، و در نتیجه برای جرایم دسته دوم یک نوع سیستم کیفری خاصی را در سطح بین المللی طرح ریزی کرد.

از طرف دیگر باید افزود اگر دیوان کیفری بین المللی شکل نگیرد، محاکمه افرادی که متهم به جرایم معین بین المللی هستند، می بایست در دادگاههای داخلی کشورها انجام پذیرد. این دادگاهها ممکن است نقش خود را در این خصوص به درستی ایفا نکنند، بلکه با حمایت از یک مجرم بین المللی، سهل انگاری در تعقیب کیفری و اجرای مجازات و یا ناتوانی در محاکمه او، عملاً مجرمی را که شخصاً هدف و موضوع مسئولیت کیفری بین المللی قرار گرفته است، از مجازات و اجرای عدالت رهایی بخشند، که این امر بالمآل موجب تقویت شبکه های مخوف جرایم و مجرمان بین المللی خواهد شد.<sup>۵۹</sup>

افزون بر ادله قبل آن است که اگر کشورها در زمانی نه چندان دور در اصل ضرورت تأسیس دیوان کیفری بین المللی تردید داشتند، تغییر اوضاع و احوال در دنیای جدید و تأسیس شبکه های مافیایی بسیار پیچیده، قدرتمند و مخرب قاچاق مواد افیونی و مخدر، آدم ربایی، تروریسم بین المللی و غیره، که عرصه زندگی را بر مردم جهان و دولتهای معاصر تنگ کرده،<sup>۶۰</sup> مقتضی چنین ضرورتی می باشد. مطالب تکان دهنده و افشا کننده حقایق ناگوار در گزارش زیر سازمان ملل متحد که در ماه اوت ۱۹۹۰ میلادی منتشر شده است

59. Steiner & Alston, op cit., p. 1033.

۶۰. برخی از جرایم فوق الذکر به یکی از جرایم چهارگانه مندرج در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی که در صفحات آتی بدان اشاره می شود برمی گردد.

«در جهانی که زندگی کشورها به صورت زاید الوصفی به هم پیوند خورده است، اعمال و رفتارهای فاسد و مخرب که اغلب با جرایم سازمان یافته و قاچاق مواد مخدر به هم گره خورده است، به صورت رو به تزایدی از حد مرزهای داخلی فراتر رفته اند. مبالغ هنگفتی (صدها میلیارد دلار) که از راه تجارت قاچاق نامشروع مواد مخدر جمع آوری می شود، موجب تمرکز قدرت عظیم اقتصادی در دستان خدایگان قاچاق شده است، هم آنانی که قادر هستند تمام حکومتها و دولتها را فاسد و تباہ سازند.

خدایگان قاچاق مواد مخدر سیستم عدالت کیفری دولتها را مختل ساخته، و نفوذ زشت و ناهنجار آنان ارزشهای اساسی جوامع بشری را نابود می سازد.

این مجرمان در راستای اهداف شوم خویش آماده اند تا دادستانها، قضات، سیاستمداران و خانواده و بستگانشان را مرعوب سازند. آنان در مقابل آن عده از مقامات و صاحب منصبان شرافتمندی که ارتشا و فساد مالی تأثیری در عزم و کارشان نخواهد گذاشت و پیوسته در مقابل قاچاقچیان مقاومت می کنند، به استفاده از خشونت و زور متوسل می شوند.

آنان با هدف قرار دادن مجریان قانون، روزنامه نگاران، و شهود دادگاههای کیفری، و اعمال خشونت همه جانبه در ارتباط با قاچاق مواد مخدر، جوی به وجود آورده اند که بنیان حقوق و امر قانونی را مورد تهدید قرار می دهند، و در نتیجه اعتماد مردم نسبت به دولت [و محاکم قضایی] را از بین می برند.

در بعضی از کشورها، حکومتهای مرکزی در محاصره قدرتمندان قاچاق قرار گرفته است، و در برخی دیگر، سراسر منطقه یا بخشهایی از شهرها به صورت خاکریزهایی غیرقابل تصرف قاچاقچیان در آمده است، تاحدی که مأموران حکومتی جرأت ورود به حوزه های استحقاقی آنان را ندارند.

اما، به نظر می رسد که تخریب اقتصادی نهادهای مالی و شرکتهای اقتصادی مشروع خائنانه تر باشد. بدین معنا که هم اکنون سیستمهای اقتصادی خیلی از کشورها، حتی آنهایی که از منابع تولید مواد نامشروع مخدر فاصله دوری دارند، کاملاً به دلارهای حاصل از مواد مخدر وابسته شده اند.

این اموال مجدداً در تشکیلات بزهکاری مرتبط دیگر (از قبیل قماربازی، فحشا، تجارت برده و خرید و فروش جنگ افزارهای غیرقانونی)، و یا در بنگاههایی (از قبیل مراکز توریستی، هتلها، و بانکها) سرمایه گذاری می شود، تا آن که متعاقب

آن سندیکاهای تهکاران قادر باشند تفوق حتمی خویش را در بخشهای کلیدی اقتصادی جهان حفظ نمایند.

از آنجایی که قاچاقچیان بین المللی با بانکها و شرکتهای جهانی در ارتباط هستند، تحقیق و تعقیب آنان کاری بس دشوار خواهد بود. آنان به آسانی می توانند خود و اموالشان را به حوزه های قضایی یک کشور دوست انتقال دهند. مضافاً آن که فعالیتهای آنان در خیلی از کشورها بر اساس حاکمیت اصل محرمانه بودن حساب بانکها مورد حمایت قرار می گیرد.

به دلیل فقدان تحقیقات و رسیدگیهای مؤثر بین المللی و فقدان موافقتنامه های بین المللی در جهت اعمال و اجرای قوانین کیفری، رهبران کارتل های بزرگ قاچاق مواد مخدر عملاً در ماوراء قانون قرار گرفته اند.<sup>61</sup>

کمیته حقوقدانان حقوق بشر<sup>62</sup> در مقدمه گزارش ماه می ۱۹۹۸ خود، راه حل مبارزه با جرایم بین المللی و سوء استفاده از حقوق بشر را در تأسیس دادگاه کیفری بین المللی یافته است، همچنان که در آن گزارش آمده است:

«دلیل التزام ما در تأسیس یک دادگاه کیفری بین المللی این است که از نیم قرن پیش و از زمان محاکمات نورنبرگ و توکیو، سوء استفاده های زیادی نسبت به حقوق بشر و قوانین بشردوستانه حقوق بین الملل صورت گرفته است، و این امر هنوز ادامه دارد. کمیته حقوقدانان معتقد است که زمان آن فرا رسیده است تا یک دیوان بین المللی کیفری تأسیس شود تا قادر باشد بر اساس حقوق بین الملل به فرار مجرمان بین المللی از مجازاتها خاتمه دهد، و تا بتواند در زمانی که سیستمهای عدالت کیفری ملی از چنین محاکمه ای ناتوان باشند، به عنوان محکمه ای [توانا] به رسیدگی و قضاوت کیفری بپردازد.»

از دیگر دلایل جهت تأسیس دیوان بین المللی کیفری آن است که فقدان یک دیوان کیفری بین المللی روان مجرم بین المللی را از تبعات شدید جرم خود آسوده خواهد ساخت. این در حالی است که وجود یک دیوان کیفری در جامعه بین المللی تأثیر بسیار مثبتی در تقلیل جرایم بین المللی، مجازات مؤثر مجرمین بین المللی و در نتیجه پیشگیری از وقوع

61. Corruption in Government, the Report of an Interregional Seminar, The Hague, Dec. 1989 (UN Doc. TCD/SEM 90/2), p.8.

62. Report of the Lawyers Committee for Human Rights, May, 1998.

جرایم خواهد داشت." به نظر می‌رسد هر گاه یک مجرم بین المللی در یک دادگاه داخلی محاکمه می‌شود و بر طبق موازین و مقررات دادرسی کیفری یک دادگاه داخلی محاکمه می‌شود، از جهت روانی آسوده‌خاطرتر خواهد بود، نسبت به آن زمانی که در یک دادگاه بین المللی و در مقابل چشمان همه مردم جهان محاکمه شده، و در برابر خودش یک یا چند قاضی بین المللی را می‌بیند.

معتقدان به تأسیس دیوان کیفری بین المللی همچنین استدلال می‌نمایند که دادگاههای اختصاصی، و ویژه که به منظور خاصی تأسیس می‌شوند، و برای حل یک منازعه خاص صلاحیت دارند، همچون دادگاههای بین المللی نورنبرگ (برای مجازات رهبران جنگی آلمان) و توکیو (برای مجازات رهبران جنگی ژاپن) و لاهه (برای مجازات مجرمان جنگی در یوگسلاوی و رواندا)، نمی‌توانند جامعه بین المللی را از بهره‌جستن از یک دیوان کیفری بین المللی بی‌نیاز سازند.

دلیل این امر آن است که اغلب مؤسسان چنین محاکمی خواسته و یا ناخواسته یک طرف درگیری و نزاع قرار خواهند گرفت، در نتیجه تصمیمات آنان به مصلحت عدالت نزدیک نخواهد بود." از طرفی دیگر، با آن که جامعه بین المللی مشوق اصلی برای تأسیس دادگاههای ویژه یوگسلاوی و رواندا بودند، ولی تجربه عملی نشان داد که چنین محاکمی نمی‌تواند یک مکانیزم مؤثر، استوار و دائمی، و در نتیجه جایگزینی خوب و مناسبی بجای یک محکمه دائمی کیفری بین المللی تلقی گردد."

به علاوه تأسیس چنین محاکمی ممکن است موجب بروز تنش‌های سیاسی - نظامی در میان کشورهای مؤسس و سازمانهای بین المللی همچون شورای امنیت گشته، و عملاً توجه جهانی را از تعقیب کیفری و مجازات مجرمین منصرف نماید. از طرفی هم، چون

63. Steiner & Alston, op cit., p. 1023.

64. Ibid, p. 1084.

65. Report of the Lawyers Committee for Human Rights, May, 1998.

موضوع و هدف تأسیس چنین محاکمی از قبل معلوم است، ممکن است از ابتدا قضات و دادستانهایی که برای مناصب کیفری خاص منصوب می گردند، افراد معینی بوده، و یا از بدو امر پیش قضاوتهایی نسبت به جرم، مجازات و حتی مجرمان داشته باشند.

همچنین باید اضافه کرد که معمولاً تأسیس چنین محاکمی توسط شورای امنیت و بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد صورت می پذیرد. شورای امنیت نیز در صورتی اقدام به تشکیل چنین محاکمی خواهد کرد که ضرورت آن را دریابد. در غیر این صورت، غالباً به صدور یک اولتیماتوم سیاسی و یا قطعنامه ای که چه بسا با حق و تو نیز مواجه خواهد شد اکتفا خواهد کرد، که معمولاً نتیجه رضایت بخشی نخواهد داشت. البته بر فرض هم شورای امنیت در عمل به وظیفه خود تخطی نکند، نباید از این نکته غافل بود که جهت تأسیس چنین محاکمی نیاز به فراهم کردن سریع امکانات از قبیل منابع مالی و نیروهای کارآمد انسانی و غیره می باشد. ولی از آن جایی که هیچ گاه تضمینی برای فراهم آوری چنین امکاناتی در فرصت زمانی محدود وجود ندارد، عملاً در روند تصمیم گیری و یا اجرای مناسب آن اختلال ایجاد خواهد شد، و در نتیجه عدالت کیفری در خصوص مجازات مجرمان بین المللی اجرا نخواهد شد.

## مبحث ۳

### ارزیابی دیوان کیفری بین المللی

### و اساسنامه آن

#### برخی از ویژگیهای دیوان و اساسنامه آن

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در نشست نمایندگان تام الاختیار ملل متحد در تاریخ ۲۷ تیر ماه ۱۳۷۷ (۱۷ جولای ۱۹۹۸) به تأیید نمایندگان ۱۲۰ کشور از مجموع

۱۶۰ کشور شرکت کننده رسید، که نهایتاً بعد از تصویب ۶۰ کشور لازم الاجرا خواهد شد. این اساسنامه دارای یک مقدمه، ۱۳ فصل و ۱۲۸ ماده می باشد.

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی تصویر مدل خاصی از سیستم کیفری یک کشور معین را ارائه نمی کند، بلکه قوانین کیفری خود را از کنوانسیونهای متعدد، عرف بین المللی، اصول کلی حقوق بین المللی، و رویه های قضایی متداول در سیستمهای مختلف حقوقی اتخاذ کرده است. البته باید اذعان نمود که تأثیر منطق حقوقی حاکم بر دنیای غرب، به صورت آشکاری از لابلای مواد آن پیدا است.<sup>۶۶</sup>

در دیپاچه اساسنامه دیوان کیفری بین المللی آمده است: «کشورهای عضو این اساسنامه ... مصمم هستند که به مصونیت مرتکبین این جنایات و فرار آنها از مجازات پایان داده، و در نتیجه در پیشگیری از وقوع چنین جنایاتی مشارکت نمایند». بدین ترتیب یکی از آرمانهای دیوان آن است که در راستای تحقق عدالت کیفری، جرم بین المللی بدون مجازات نماند، و مجرم بین المللی نتواند از چنگ عدالت فرار کند بلکه به سزای اعمالش برسد.

اساسنامه دیوان قلمرو صلاحیت کیفری<sup>۶۷</sup> خویش را تنها نسبت به مجرمان بین المللی، نه دولتها، اعمال خواهد کرد. چنان که در ماده یک اساسنامه آمده است:

«... دیوان به عنوان یک نهاد بین المللی قادر خواهد بود که صلاحیت خویش را بر اشخاص، نسبت به خطرناکترین جرایم مورد اهتمام بین المللی که در این اساسنامه به آنها ارجاع شده است اعمال نماید...».

اساسنامه دیوان در بند یک ماده ۲۵ مقرر می دارد که: «دیوان مطابق این اساسنامه نسبت به جرایم اشخاص حقیقی صلاحیت خواهد داشت». در بند ۲ این ماده آمده است

۶۶. در این خصوص به مبحث آینده راجع به معایب و مشکلات احتمالی دیوان و اساسنامه آن مراجعه نمایید.

۶۷. البته باید توجه داشت که اصطلاح صلاحیت (Jurisdiction) در اساسنامه دیوان به مفهوم محدود (Narrow concept) خود استعمال نشده است، بلکه معنای وسیعی خواهد داشت که شامل صلاحیت برای شعبه های دیوان، دبیرخانه، دادستان و غیره نیز می شود.

که: «هر کس مرتکب یکی از جرایمی که در صلاحیت دیوان است بشود، به طور فردی مسؤول است و مطابق این اساسنامه مجازات خواهد شد». به علاوه در بند ۴ همین ماده مقرر شده است که: «هیچ یک از مقررات مربوط به مسؤولیت کیفری افراد که در این اساسنامه آمده است تأثیری بر مسؤولیت دولتها مطابق حقوق بین الملل نخواهد داشت». بنابراین دیوان مسؤولیتی در خصوص جرایم و مجازات دولتها ندارد، و فقط به محاکمه اشخاص حقیقی می پردازد. البته معنای این مقرر این نیست که رؤسای کشورها و مقامات رسمی حکومت در حوزه صلاحیتی این دیوان قرار نگیرند، بلکه آنان نیز همچون اشخاص عادی مشمول صلاحیت کیفری دیوان خواهند شد.

اساسنامه دیوان نگرانی کشورها در خصوص حفظ حاکمیت ملی خود را به دو طریق، یکی از طریق اعمال صلاحیت تکمیلی، و دیگری از طریق محدود نمودن جرایم به یکی از چهار جرم بین المللی مندرج در ماده ۵، حل نموده است.

توضیح آن که اولاً: صلاحیت کیفری دیوان در صدد جانشین شدن به جای صلاحیت کیفری دادگاههای داخلی نمی باشد، بلکه بر اساس تصریح اساسنامه دیوان در مقدمه و در ذیل ماده ۱، صلاحیت دیوان در امور کیفری صلاحیتی تکمیلی نسبت به صلاحیت دادگاههای کیفری داخلی کشورها می باشد، همچنان که در مقدمه اساسنامه آمده است:

«کشورهای عضو این اساسنامه ... تأکید کرده اند که دیوان کیفری بین المللی که بر اساس این اساسنامه تأسیس می شود، تکمیلی و ترمیمی نسبت به صلاحیتهای کیفری دادگاههای ملی خواهد بود».<sup>۶۸</sup>

۶۸. در گزارش ماه می ۱۹۹۸ کمیته حقوقدانان حقوق بشر آمده است که:

«دلیل ضرورت تأسیس یک دیوان بین المللی کیفری آن است که قادر باشد تا براساس حقوق بین الملل به فرار مجرمان بین المللی از مجازاتها خاتمه دهد، و محکمه ای برای رسیدگی و قضاوت کیفری باشد در زمانی که سیستمهای عدالت کیفری ملی از چنین محاکمه ای ناتوان باشند».

بنابراین دادگاه‌های صلاحیت‌دار ملی کماکان صلاحیت رسیدگی را خواهند داشت، به استثنای مواردی که دیوان صلاحیت انحصاری خواهد داشت. صلاحیت انحصاری دیوان در جایی است که دیوان احراز کند که دولت صلاحیت‌دار قادر به رسیدگی نیست، مثل آن که نظام ملی آن کشور دچار فروپاشی شده است، و در نتیجه دادگاه بالفعل و مسلطی جهت محاکمه مجرم بین‌المللی وجود ندارد، و یا آن که دیوان احراز کند که دولت صلاحیت‌دار به دلایل سیاسی و غیرسیاسی مایل به رسیدگی نیست. بند ۳ ماده ۱۷ اساسنامه مقرر می‌دارد:

«به منظور تصمیم‌گیری در مورد عدم توانایی (دولتی) در قضیه‌ای خاص، دیوان بایستی با توجه به فروپاشی کامل یا قابل ملاحظه نظام قضایی ملی یا در دسترس نبودن چنین نظام قضایی نسبت به توانایی آن دولت در مورد به دست آوردن متهم یا دلیل و شاهد یا اصولاً انجام دادرسی نظر دهد».

ثانیاً: اساسنامه دیوان صلاحیت تعریف شده، محدود و مشخصی را نسبت به خطرترین جرایم معینی که وصف بین‌المللی داشته و یا در ارتباط با آن می‌باشد ارائه داده است، همچنان که ماده ۵ اساسنامه مقرر می‌دارد:

«صلاحیت دیوان محدود به خطرترین جرایمی خواهد بود که متوجه کل جامعه بین‌المللی شده است....».

در این راستا ماده ۵ اساسنامه خطرترین جرایم بین‌المللی را به چهار دسته اساسی تقسیم کرده است:

۱. جرم کشتار دسته جمعی (The crime of genocide)

۲. جرایم برضد بشریت (Crimes against humanity)

۳. جرایم جنگی (War crimes)

۴. جرم تجاوز (The crime of aggression)

از آنجایی که این اساسنامه اولین سند برای تأسیس یک دیوان کیفری بین‌المللی در



دنیای معاصر به شمار می‌آید، به نظر می‌رسد که قادر باشد در قرن بیست و یکم نقش عمده‌ای در جهت تحول و پیشرفت حقوق بین‌الملل، حفظ و حمایت از امنیت و نظم عمومی بین‌المللی، ایفا نماید.

دیوان کیفری بین‌المللی اولین نهادی خواهد بود که جهت حفظ ارزشهای موجود در نظام جامعه بین‌المللی به مجازات متخلفین از حقوق بین‌الملل خواهد پرداخت، و نهادی در جهت حمایت از مصالح و منافع کشور یا افرادی خواهد بود که مورد تجاوز مجرمان بین‌المللی قرار گرفته‌اند. نیل به این اهداف در راستای تحقق آرمان کشورهای کوچک و ضعیفی همچون کشورهای کوچک حوزه کارائیب بوده، که به دلیل آن که کشورشان پیوسته محل تاخت و تاز مجرمان جنگی و قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر می‌باشد، و مقامات دولتی و دادگاههای داخلی آنان از آنچنان قدرتی برخوردار نیستند که برای حفظ و دفاع از منافع ملی خود به تحقیق، تعقیب، محاکمه و مجازات آن مجرمان پردازند، در جبهه مقدم پیشنهاد دهندگان تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی بودند.

### برخی از معایب و مشکلات احتمالی دیوان و اساسنامه آن

ذکر محاسن و مزایایی که برای دیوان کیفری بین‌المللی و اساسنامه آن شمرده شد به معنای آن نیست که دیوان و یا اساسنامه آن خالی از هرگونه عیب و نقصی می‌باشد. بنابراین به مواردی از معایب و کاستیهای آن در ذیل اشاره می‌شود:

اول آن که اساسنامه دیوان خیلی پیچیده، مبهم و در مواردی به نظر متعارض و متناقض می‌آید. علت این امر آن است که این اساسنامه طی سالهای متمادی و در کمیته‌های مختلفی توسط گروههای مختلفی از حقوقدانان مورد فحص و بررسی و مذاکره قرار گرفته، و آن گاه جمع‌آوری شده، و به صورت کنونی درآمده است. شاید بتوان ادعا کرد که در زمان تدوین مواد اساسنامه دیوان کسی نبود که از ابتدا تا انتهای مناقشات و مباحثات اساسنامه‌ای، بر آن اشراف کامل داشته و یا بر مفاد کامل آن اطلاع دقیق داشته باشد.

دوم آن که اگرچه اساسنامه دیوان مکانیزمی را برای تکمیلی بودن دیوان در ماده ۱۷ خود طرح کرده است، و در آن قائل به عدم جواز محاکمه مضاعف شده است، و تقدم رسیدگی و نه تقدم صلاحیت را مدنظر قرار داده است، ولی متأسفانه اساسنامه هیچ تعریفی را از تکمیلی بودن صلاحیت ارائه نداده است، یعنی مقرر نداشته است آیا صلاحیت تکمیلی به معنای نفی کامل صلاحیت جایگزینی است؟ حال اگر دیوان همزمان با دادگاه داخلی شروع به تعقیب و رسیدگی کند مرجع صلاحیتدار کدام دادگاه خواهد بود؟ آیا تکمیلی بودن به معنای معاضدت و همکاری قضایی بین دو دادگاه است؟ در صورت تعارض بین آرای صادره از دادگاه داخلی و دیوان کیفری بین المللی کدام رأی مقدم است؟

سوم آن که به نظر می‌رسد که فضای حاکم بر اساسنامه دیوان استیلای تفکر حقوق اروپا و برتری حقوق بین الملل شناخته شده در سیستمهای حقوقی غرب بر دیگر سیستمهای حقوقی دنیا باشد. در قسمت ج از بند ۱ ماده ۲۱ اساسنامه آمده است که دیوان به آن اصول حقوقی کیفری عمل خواهد کرد که «مغایر با این اساسنامه و حقوق بین الملل و قواعد و ملاکهای شناخته شده بین المللی نباشد». همچنین بند ۳ ماده ۲۱ اساسنامه مقرر می‌دارد که: «تطبیق و تفسیر حقوقی که در این ماده پیش بینی شده است نبایستی متناقض با حقوق بشر شناخته شده بین المللی بوده...».

به علاوه آن که ماده ۱۰ اساسنامه دیوان مقرر می‌دارد که: «هیچ یک از مواد این فصل از اساسنامه به هیچ وجه نباید به نحوی تفسیر شود که قواعد موجود یا در حال تشکیل حقوق بین الملل را که برای مقاصد دیگری غیر از این اساسنامه مطمح نظر است محدود کند یا به آن لطمه بزند».

چهارم آن که اگرچه دیوان به دنبال آرمان مقدس حفظ نظم و صلح و امنیت بین المللی می‌باشد، ولی به نظر می‌رسد که هیچ گونه تضمینی در این که دیوان بالمآل وارد بازیهای سیاسی و تمایلات قطبی جهانی نشود وجود ندارد، همچنان که دیگر سازمانهای بین المللی از قبیل سازمان ملل متحد در سالهای اخیر از این امر مصون نمانده،

بلکه در مواردی هم از اهداف اصلی خود دور شده و متأسفانه در پی حفظ منافع قدرتهای بزرگ جهانی برآمدند.

از دیگر مشکلات آن است که اساسنامه دیوان هیچ نوع حق شرطی<sup>۶۹</sup> را نمی پذیرد، و این امر ضمن آن که دلالت بر صلابت و انعطاف ناپذیری و جامعیت مقررات آن دارد، موجب نادیده گرفتن مبانی و مقررات حقوقی دیگر سیستمهای داخلی کشورها می شود. این امر متعاقباً ممکن است برای سیستم های داخلی مشکل آفرین باشد، که خود باعث کندی روند الحاق کشورها به اساسنامه دیوان خواهد شد.

از طرف دیگر ماده ۱۶ اساسنامه دیوان مقرر می دارد:

«پس از صدور قطعنامه ای از سوی شورای امنیت به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد (مبنی بر درخواست تعلیق تحقیق یا تعقیب) هیچ تحقیق یا تعقیبی به موجب این اساسنامه نمی تواند به مدت ۱۲ ماه شروع شود یا ادامه یابد. این درخواست به موجب همان شرایط قابل تجدید توسط شورای امنیت می باشد».

با آن که گرایشات سیاسی شورای امنیت در حفظ منافع کشورهای دارای حق وتو و در برخی موارد تصمیمات غیرعادلانه آن در حق کشورهای مستضعف و جهان سوم بر احدی پوشیده نیست، ولی ماده فوق در حقیقت به شورای امنیت یک حق وتو می دهد، و این امر ممکن است در آینده به اهرم فشاری بر علیه دیوان تبدیل گردد، و عملاً دیوان را در مسیر تحقق عدالت کیفری بین المللی با مشکل جدی مواجه نماید.

از دیگر معایب اساسنامه دیوان آن است که با وجود اصرار تمامی کشورهای جهان سوم و کشورهای غیرمتعهد مبنی بر نظر انداختن به موضوعات منع تولید و استفاده از سلاحهای اتمی، شیمیایی و کشتار دسته جمعی، دیوان با این استدلال که چنین موضوعاتی تاکنون مبنای عرفی پیدا نکرده است، از پذیرش صلاحیت خود راجع به منع و تولید و

69. Reservation rihtg.

به کارگیری سلاحهای اتمی و دیگر سلاحهای مخرب امتناع ورزیده، و صلاحیت خویش را نسبت به سلاحهای شیمیایی مسکوت قرار داده است. به نظر می‌رسد امیدی وجود نداشته باشد که در آینده نزدیک این موارد در قلمرو صلاحیت دیوان قرار بگیرد، مگر آن که در مفاهیم کلی و مصادیق جرایم بین‌المللی تجدید نظر مجدد به عمل آید.

از دیگر ایرادات وارد بر اساسنامه دیوان آن است که اساسنامه هیچ‌گونه تمهید خاصی را برای مبارزه با جرایم تروریستی و قاچاق مواد مخدر نیاندیشیده است، با آن که این نوع جرایم از جرایمی است که کشورها و ملل دنیا از آن رنج می‌برند، و شاید از دیرباز یکی از آرمان‌های به حق جامعه بین‌الملل، ایجاد مکانیزمی مناسب و صحیح جهت مبارزه با این نوع از جرایم بود.<sup>۷۰</sup> البته این بدان معنا نیست که دیوان کیفری بین‌المللی با دادگاههای ملی در خصوص مبارزه با چنین جرایمی همکاری و معاضدت نخواهد داشت.

همچنین باید افزود که اگر چه اساسنامه دیوان در ماده ۸۰ خود صلاحیت کشورها را در اعمال مجازاتها بر اساس قوانین داخلی و ملی پذیرفته است،<sup>۷۱</sup> و از طرفی هم صلاحیت خود را محدود به چهار طبقه از جرایم نموده است، ولی از توجه به دو نکته مهم غفلت نموده است:

اولاً: اساسنامه دیوان فهرستی از جرایم را چه به صورت خاص و چه به صورت عام در دسته‌های ۱ و ۲ و ۳ از جرایم بین‌المللی ذکر نموده است، ولی هیچ‌گونه تعریفی از جرم دسته چهارم (جرم تجاوز) ارائه نداده است، بلکه تعریف و تعیین مفهوم و مصداق آن را بر اساس مقررات مندرج در ماده ۱۲۱ اساسنامه راجع به «اصلاحات» و ماده ۱۲۳ آن راجع به «تجدید نظر در اساسنامه» به آینده موکول نموده است. در نتیجه یکی از مهمترین جنایات

۷۰. رجوع شود به: گزارش سازمان ملل متحد که در مبحث دلایل موافقت با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی نقل شده است.

۷۱. ماده ۸۰ اساسنامه دیوان مقرر می‌دارد که:

«هیچ مورد از موارد مذکور در این فصل از اساسنامه بر اجرای مجازاتهایی که قوانین ملی مقرر کرده‌اند تأثیر نمی‌گذارند، همچنان که بر قوانین کشورهایی که مجازاتهای مشروحه در این فصل را در قوانین خود پیش‌بینی نکرده‌اند بی‌تأثیر هستند.»

بین‌المللی یعنی جرم تجاوز، با آن که در مفاد منشور نورنبرگ درج شده بود از صلاحیت دیوان حذف شده است، بلکه این امر به شورای امنیت واگذار شده است تا تصمیم لازم را اتخاذ کند. بنابراین نقش شورای امنیت در این خصوص نقش اساسی خواهد بود و دیوان نقش ثانوی خواهد داشت.

به نظر می‌رسد که تا زمان تعیین و تعریف جرم تجاوز که حداقل تا هفت سال دیگر صورت نمی‌پذیرد، مجرمان به جرم تجاوز فقط در دادگاههای داخلی محاکمه خواهند شد، مشروط بر آن که چنین جرمی در نزد آنها قابل رسیدگی و تعقیب و محاکمه باشد. بنابراین فی‌المثل دادگاههای ایران صلاحیت رسیدگی به چنین جرایمی را ندارند، زیرا جرم تجاوز و مجازات آن در قانون داخلی ایران پیش‌بینی نشده است.

ثانیاً: موارد تفصیلی جرایم مندرج تحت دسته‌های ۱ و ۲ و ۳ از جرایم بین‌المللی با چند مشکل کلی مواجه است:<sup>۷۲</sup>  
اول آن که اگرچه ظاهراً در اصل عناوین چهارگانه جرایم بین‌المللی بین کشورهای اختلافی وجود ندارد، ولیکن طرز تلقی کشورها و سیستم‌های حقوقی نسبت به تعریف، و تفسیر مفاهیم و مصادیق آنان متفاوت خواهد بود.

دوم آن که برخی از عناوین مجرمانه بسیار مبهم و کلی است، که در عمل یک صلاحیت وسیع کیفری<sup>۷۳</sup> گسترده‌ای را به دیوان می‌دهد. به عنوان مثال بند الف ماده ۷۷ اساسنامه دیوان در باب مجازاتهای قابل اعمال مقرر می‌دارد: «حبس به مدت معینی که بیش از سی سال نباشد...». وضع چنین قانونی به قاضی یک صلاحیت وسیع کیفری<sup>۷۴</sup>

۷۲. ورود به بحث تفصیلی در این خصوص زمان دیگری را می‌طلبد. مقاله دیگر نویسنده در این باب که تدوین بخشی از آن به پایان رسیده است، مباحث مفصلی را در جرایم بین‌المللی، تعریف و مصادیق، زمینه‌های تاریخی، حضور آنها در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی طرح کرده، و حوزه صلاحیتی دیوان کیفری بین‌المللی را در خصوص آنها تشریح و نقد خواهد کرد. در بخشی از این مقاله به مشکلات عمده‌ای که احیاناً کشورهای اسلامی خصوصاً ایران در الحاق به اساسنامه دیوان مواجه خواهند شد، اشاره خواهد شد.

73. Criminal discretion.

74. Discretion.

خواهد داد تا مجرم بین المللی را ولو به یک روز حبس مجازات کند، زیرا در این ماده هیچ حداقلی برای مجازات معین نشده است. همچنین اساسنامه دیوان در بند ب ماده ۶ به صورت کلی و ابهام آوری «ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه» را از جرایم نسل کشی شمرده است. و یا آن که در بند ک ماده ۷ اساسنامه دیوان به صورت کلی و ابهام آوری هر نوع از «اعمال غیر انسانی مشابه دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد» را از جنایات ضد بشری به حساب آورد. به نظر می رسد که اعطای هر گونه صلاحیت وسیع کیفری به قضات دیوان، در صورت عدم تدوین مکانیزم هدایت و یا کنترل کننده مشخص، ممکن است موجب صدور تصمیمات غیر عادلانه توسط مقامات قضایی دیوان شود. از طرفی این امر مسأله الحاق کشورهایی را که دارای استقلال حقوقی مبتنی بر گرایشات دینی، سنتی، و آیین های عرفی هستند با مشکل جدی روبرو خواهد ساخت.

سوم آن که حضور برخی از جرایم لیست شده در اساسنامه دیوان خالی از مباحث و مناقشات جدی حقوقی نمی باشد، بلکه تعدادی از آنان برخلاف اصول و مقررات کیفری پذیرفته شده توسط برخی کشورها می باشد، که این خود مسأله پذیرش و الحاق به اساسنامه دیوان را با مشکل بزرگ مواجه خواهد ساخت.

در خاتمه باید متذکر شد از آنجایی که برای اولین بار نهاد دادستانی در سطح بین المللی مورد تجربه و آزمایش قرار می گیرد، ایفای صحیح نقش دادستان، و در نتیجه تحقق عدالت بدون مشکل نخواهد بود. توضیح آن که، دادستان در پیگیری دعاوی بین المللی نباید به هیچ سیستم حقوقی خاصی وابسته باشد، بلکه تنها باید در جهت تأمین منافع بین المللی و در دفاع از جامعه بین المللی گام بردارد. ولی به هر حال، از دیدگاه عملی بروز مشکل نسبت به استقلال دادستان با وجود عوامل متعدد نفوذ و فشار در دنیای معاصر امری ممکن الوقوع، بلکه در شرایط کنونی تحکیم نظم نوین جهانی ادعایی و اعمال انحصاری حق و تو توسط شورای امنیت قریب الوقوع خواهد بود.

قانونی بودن جرم و مجازات باید از اصول بدیهی و مسلم در پرونده‌های کیفری بین‌المللی باشد، و تعیین جرایم بین‌المللی و مجازات آنها باید توسط یک دادگاه بین‌المللی صورت پذیرد که بر اساس و مطابق با مقررات اساسی و پایدار بین‌المللی تأسیس شده باشد.

توضیح آن که طریقه عادی برای تأسیس نهادهای بین‌المللی و مخصوصاً نهادهای قضایی آن وضع قانون مناسب و کامل برای آن است. این امر در عرصه بین‌المللی امکان پذیر نخواهد بود، مگر آن که از طریق انعقاد یک معاهده بین‌المللی صورت پذیرد. مضافاً آن که یک قاضی داخلی نمی‌تواند در امر محاکمه و مجازات به حقوق کیفری بین‌المللی استناد کند، مگر آن که معاهده وارد سیستم حقوق داخلی او شده و اعتبار و اجرای آن در حدود سیستم حقوقی داخلی که عادتاً بر اساس شرایط حاکم در قانون اساسی و یا قوانین عادی باید به امضا و تصویب مقامات رسمی برسد پذیرفته شده باشد.

این روش مطمئن‌ترین و تنها راه مناسب برای تأسیس یک دادگاه کیفری بین‌المللی است، که شالوده آن در تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رم در جولای ۱۹۹۸ پایه‌ریزی شد. بر این اساس دیوان کیفری بین‌المللی یک محکمه کیفری دائمی خواهد بود که بر اشخاص حقیقی نسبت به ارتکاب جرایم بین‌المللی صلاحیت کیفری خواهد داشت. دیوان برخلاف محاکم ویژه، از قبیل دادگاه لاهه برای مجازات مجرمان جنگی یوگسلاوی سابق و رواندا موقتی و محدود به زمانی خاص و منحصر به یک حوزه خاص جغرافیایی نخواهد بود.

بدون شک ایجاد چنین دیوانی که به محاکمه مجرمان بین‌المللی خواهد پرداخت، می‌تواند مثبت و قابل توجه ارزیابی شود. زیرا دیوان می‌تواند نهادی بین‌المللی برای توسعه و رعایت حقوق بشر و همچنین حمایت و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باشد.

مسئله دیوان ضمن بهره برداری از اصول کلی حقوق بین المللی و عرف حقوق بین الملل می تواند با تصمیمات خود در آینده منبعی مهم برای وضع عرفهای بین المللی و اصول جدید حقوقی بین المللی گردد، که قطعاً مشارکت جامعه بین المللی در این خصوص در جهت رسیدن به نظم و امنیت بین المللی و حفظ کارایی دیوان، مؤثر بلکه ضروری می باشد.

البته اگر دیوان کیفری بین المللی بخواهد در صحنه بین المللی مفید و معتبر باشد، لازم است که مستقل، بی طرف، عادل و مقتدر باشد. دیوان هرگز نباید تحت تأثیر و یا قیومت هیچ یک از کشورها و یا سازمانهای بین المللی حتی شورای امنیت قرار گیرد. بدیهی است که یکی از راههای حفظ استقلال و بی طرفی دیوان عدم وابستگی مالی آن به یکی از قطبهای اقتصادی می باشد.

استقلال ارکان دیوان مخصوصاً قضات و دادستان آن نسبت به اقدامات خود باید تضمین گردد. زیرا موفقیت چنین دادگاهی در عرصه بین المللی مرهون آن است که پرسنل و کارمندان و خصوصاً قضات آن معین و مشخص بوده، از استقلال کامل و امنیت شغلی و تصدی برخوردار بوده، و از مداخله مستقیم و یا غیرمستقیم سازمانهای بین المللی و یا کشورها در تصمیمات آنها مصون باشند.

بالاخره دادگاه کیفری بین المللی باید بتواند یک سیستم مقتدر و منصفانه و عادلانه ای را در رسیدگی های کیفری و محاکمه و مجازات مجرمان بین المللی پایه ریزی نماید، تا بتواند آن شکافی را که از ناتوانی دادگاههای داخلی در رسیدگی به پرونده های کیفری بین المللی ناشی می شود پر نماید.

در خصوص الحاق و یا عدم الحاق یک کشور به این دیوان و پذیرش اساسنامه آن لازم است متخصصان اهل فن و حقوقدانان آن کشور جهت اتخاذ تصمیمی صحیح و در جهت مشارکت در نظام بین المللی و ایفای نقشی سازنده در ساختار نظام بین المللی دور هم گرد آیند، و به ارزیابی کامل تئوری و عملی آن پرداخته و نتایج مثبت و منفی الحاق به آن را بررسی موشکافانه نمایند.



البته باید به این نکته توجه داشت که گرچه برای برخی از کشورها الحاق به دیوان  
کیفری بین‌المللی و اساسنامه آن مشکلاتی را به همراه خواهد داشت، اما سنگینی و  
خشونت جرایم بین‌المللی به حدی غیرقابل تحمل خواهد بود که تأثیر نامطلوبی بر جامعه  
آن کشور وارد خواهد نمود. از طرفی هم نباید منتظر ماند تا روزی فرارسد که تمامی  
مشکلاتی که فرا راه دیوان کیفری بین‌المللی قرار دارد حل گردد، و آن‌گاه تصمیم نهایی را  
در خصوص الحاق به آن اعلام کرد، بلکه کشورها باید حضور فعال خویش را از ابتدا در  
صحنه‌های بین‌المللی حفظ نمایند، تا آن‌که میوه چنین مشارکت فعالی در عرصه  
بین‌المللی، دستیابی به یک دیوان کیفری بین‌المللی فعال، عادلانه و مقتدر در رسیدگی،  
تعقیب و مجازات مجرمان بین‌المللی باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## برخی از مصادر و منابع

Antonio Cassese, *International Law in a Divided World*, Clarendon Press, Oxford, 1990.

Bhalla & Bala, *Fundamentals of International Law*, Docta Shelf, Delhi, 1990.

Bassiouni, C. and Nanda, V.P., *A Treatise on International Criminal Law*, Springfield, IL: C.C. Thomas, 1973, 2 vols.

Bassiouni C., *International Crimes, digest/index of International Instruments, 1815 - 1985*. Dobby Ferry, N.Y. Oceana, 1985, 2 vols.

Christine Gray, *Judicial Remedies in International Law*, Clarendon Press, 1990.

D.J. McClean, *International Judicial Assistance*, Clarendon Press, 1992, p. 124.

D.J. Harris, *Cases and Materials on International Law*, Sweet & Maxwell, 1983.

Elizabeth Beyerly, *Public International Law: A Guide to Information Sources*, Mansell, 1991.

Ferencz, *Foundations for the Establishment of an International Criminal Court*, 2315, Alcyone Drive, Los Angeles, CA 90068, USA.

Ferencz, B. B., *An International Criminal Court: A Step Toward World Peace. A Documentary History and Analysis*, Dobby Ferry, N. Y.: Oceana, 1980, 2 vols.

Friedlander, R. A., *Terrorism: Documents of International and Local Control*, Dobby Ferry, N. Y.: Oceana, 1979-89, 5 vols.

International Military Tribunal, Nuremberg, 14 November 1945 to

1 October 1948, Nuremberg, 1947 - 9, 42 vols.

InterNet Sites: <http://www.igc.apc.org/icc>; <http://www.lehr.org>;  
<http://www.un.org/icc>; <http://www.groundzero.com>.

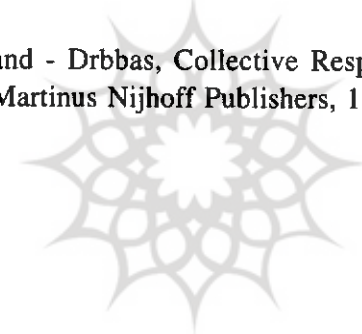
Rome Statute on International Criminal Court, Italy, 1998.

Rosemary Pattenden, Judicial Discretion and Criminal Litiagtion, 2nd Edn., Clarendon Press, Oxford, 1990.

Steiner & Alston, International Human Rights in Context: Law, Politics, Morals, Clarendon Press, 1996.

United Nations War Crimes Commission: Law Report of Trials of War Criminals, London: HMSO, 1947, 20 vols.

Vera Gowlland - Drbbas, Collective Responses to Illegal Acts in International Law, Martinus Nijhoff Publishers, 1990.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی